

## تحلیل سبکی غزل‌های کاتبی نیشابوری

بهرام بشیری خطیبی<sup>۱</sup>رستم امانی<sup>۲</sup>حمیدرضا فرضی<sup>۳</sup>

## چکیده

کاتبی نیشابوری یکی از بزرگترین شاعران قرن نهم در عصری زندگی می‌کرد که تقلید و نظیره‌گویی از ویژگی‌های بارز آن بود. اکثر شاعران این دوره مضامین شاعران پیشین را با کمترین خلاقیت تکرار می‌کردند. هدف این پژوهش یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست که: آیا کاتبی نیشابوری نیز در غزل بدون هیچ ابتکاری راه شاعران معاصر خود را در پیش گرفته و از شاعران دوره‌های قبلی تقلید کرده است؟ به طور کلی سبک او در غزل‌هایش چه ویژگی‌هایی دارد؟ در این مقاله غزل‌های کاتبی از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری و با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بررسی شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، کاتبی دست کم در غزل‌هایش تا حد زیادی از تقلید دور مانده و نوآوری‌های زیادی دارد. از جمله او به نکته‌یابی، مضمون‌آفرینی، حسن‌تعلیل، اسلوب معادله و از نظر فکری غم‌پرستی که از ویژگی‌های سبک هندی محسوب می‌شود، بیش از دیگر شاعران قرن نهم توجه کرده که با استناد به این ویژگی‌ها می‌توان او را یکی از پیشروان سبک هندی نامید. با این حال از دیدگاه زبانی و ادبی، بعضی از ویژگی‌های سبک عراقی و خراسانی نیز در غزل‌های کاتبی مشهود است.

**کلید واژه‌ها:** سبک هندی، کاتبی نیشابوری، سبک، غزل.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز - ایران. (مستخرج از رساله دکتری)

<sup>۲</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز - ایران. (نویسنده مسؤول)

amani@iaut.ac.ir

<sup>۳</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز - ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۷/۰۳

## مقدمه

سوار نظم تویی کاتبی در این عرصه      بلند صیت تو ز اشعار پهلوی بادا

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۳۱)

شمس‌الدین محمد کاتبی نیشابوری، شاعر بلند آوازه قرن نهم هجری قمری، سهم اعظم شهرت خود را مدیون توجه به آرایش‌های لفظی خصوصاً در قصاید و مثنوی‌هاست. از منظومه‌های او «مجمع البحرین» و «ده باب» مشخصاً مورد تقلید اهلی شیرازی واقع شده است. مجمع البحرین کاتبی ذوق‌فیتین و ذوبحرین است و می‌دانیم که تا آن زمان، سرودن منظومه‌ای که در تمام ابیات آن، این دو آرایه رعایت شده باشد، سابقه ندارد. همچنین او در منظومه ده باب، جناس را التزام کرده و همه ابیات آن دارای جناس است. اهلی در سرودن مثنوی سحر حلال طبق اشاره خودش در مقدمه منظومه یاد شده به دو منظومه مجمع البحرین و تجنیسات (ده باب)

کاتبی نظر داشته و منظومه خود را جامع صنایع هردوی آن منظومه‌ها دانسته و گفته است:

کاتبی آویخت دو محکم کمان	کآمده در قبضه رستم کم آن
مجمع بحرین در آن داد کار	نسخه تجنیس شد آن یادگار
بازوی من ساخت دو آهن کمان	خم شده هر دو به یک آهنگم آن
فکرت صاحب خرد از هوش کار	کرده از آن هر دو صد آهو شکار

(اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ۶۳۰)

تقلید از قصاید کاتبی نیز امری اثبات شده است. دست کم چند تن از شاعران قرن دهم از قصاید او بخصوص قصیده‌ای که به «شتر حجره» معروف است، تقلید کرده‌اند. (هر چند قبل از کاتبی، خواجوی کرمانی، قصیده شتر حجره را سروده، ولی قصیده کاتبی به عنوان نمونه موفق‌تری از این نوع هنرنمایی، بر سر زبان‌ها بوده است) از جمله مقلدان او می‌توان از ابن حسام خوسفی و هلالی جغتایی نام برد. کاتبی در این قصیده دو واژه شتر و حجره را در تمام مصراع‌های قصیده آورده و با توانایی از عهده این التزام دشوار بر آمده و مضامین تازه بسیاری در این قصیده گنجانده است.

بیشتر شاعران قرن نهم از شاعران پیشین پیروی می‌کردند. کاتبی نیز از تجربه‌های موفق شاعران بزرگ پیش از خود تقلید کرده، با این حال در قالب‌های مختلف شعری از جمله غزل، دست به نوآوری‌هایی زده که اکثر معاصران او به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ جامی در بهارستان خود کاتبی، این شاعر مضمون آفرین را، در بیان معانی خاص، صاحب سبک ویژه می‌داند: «وی را معانی خاص بسیار است و در ادای آن معانی، اسلوبی خاص دارد و ...» (جامی، ۱۳۷۹: ۱۵۱)

امیرعلی شیرنوازی، کاتبی را در همه انواع شعر، صاحب «معانی غریبه» می‌نامد: «از بی نظیران زمان خود بود، و به هر نوع شعر که میل کرد، او را معانی غریبه روی نمود به تخصیص در قصاید، بلکه اختراعات کرد و بیشتر خوب واقع شد. ... به هر تقدیر انصاف آن است که از عصر او تا امروز در همه اسلوب شعر کسی به او غالب محض نیست.» (نوازی، ۱۳۲۳: ۱۱-۱۰)

توجه به معانی غریبه و معانی خاص یا همان مضمون پردازی، توصیفی است که علاوه بر جامی و علی شیرنوازی، دولت‌شاه سمرقندی نیز، کاتبی را با این صفت، وصف کرده است: «... معانی غریبه صید دام او شده و توسن تند نکته دانی طبع شریف او را رام گردیده ...» (سمرقندی، ۱۳۱۸: ۳۸۴ و ۳۸۱)

کاتبی خود در یکی از ابیاتش، خود را به تاجری تشبیه کرده و «معنی خاص» را به متاعی سودمند که داشتن آن به صاحبش تشخیص می‌بخشد.

کاتبی! سود کنی گر بودت معنی خاص      خواجه آن است که تاجر به زر خود باشد

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۳۸)

با توجه به مفهوم این بیت و بیت بعدی، او تقلید از دیگران را کاری بی‌حاصل دانسته و همواره کوشیده تا به سبک تازه‌ای که خاص اوست، سخن بگوید و با رنگ خلاقیت خود، فضای اشعارش را رنگین کند:

کاتبی! کی معنی کس، شعر را رنگین کند؟      از زر مردم چه حاصل کیسه دلال را؟

(همان: ۲۵)

می‌توان گفت که وقتی ویژگی‌های سبک کاتبی و تعدادی از معاصرانش در قرن دهم و یازدهم برجسته شد، سبک هندی به صورت مشخص ظهور کرد. از نظر استاد سعید نفیسی «چند

تن از شعرای نامی قرن نهم مانند فغانی، کاتبی و اهلی شیرازی، مؤسسان حقیقی سبک هندی بوده‌اند.» (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۳۵)

احسان یارشاطر هر چند شعر کاتبی را نمی‌پسندد؛ اما سبک کاتبی و کمال را زمینه‌ساز سبک هندی می‌داند: «باید گفت سبکی که اکثریت شعرا پیرو آن بوده‌اند، همان سبک کمال خجندی و کاتبی است، یعنی سبکی که مقدمه سبک صفوی محسوب می‌شود.» (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۴۳)

با توجه به اظهار نظر تذکره نویسان و دقت در اشعار کاتبی، شعر او بخصوص غزل‌هایش، از اشعار پخته و برگزیده قرن نهم است. دکتر ذبیح‌الله صفا به مقام بلند کاتبی در میان معاصرانش اشاره نموده و در مورد توانایی او در انواع شعر چنین نوشته است: «تردیدی نیست که کاتبی میان هم‌عصران خود مقامی بلند داشت و علی‌الخصوص در تتبع شیوه قدما توانا بود. قصاید متعدّد و مثنوی‌های او که در غالب آن‌ها با مهارت به صنایع مختلف توجه شده، نشان دهنده قدرت قریحه وی هنگام در افتادن در مضایق شعر است غزل‌هایش همگی از لطافت ذوق او حکایت می‌کنند و هم نظم کلام و استواری سخن در آن‌ها قابل توجه خاص است. ... او بی‌تردید از تواناترین استادان قرن نهم در مقام مقایسه با استادان بزرگ قصیده سرای پیشین است.» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۴: ۲۳۹)

#### پیشینه تحقیق

تاکنون در باره سبک غزلیات کاتبی نیشابوری پژوهشی صورت نگرفته است. تنها اثر پژوهشی که مستقیماً به سبک شناسی شعر وی می‌پردازد، مقاله «تحلیل سبکی منظومه ده باب شمس الدین محمد کاتبی نیشابوری» است که توسط دکتر خلیل حدیدی و دیگران در تابستان ۱۳۹۱ در فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) به چاپ رسیده که در آن سبک مثنوی «ده باب» کاتبی در سه حوزه زبانی، ادبی و فکری بررسی شده است. خانم سارا احمدی نیز در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «صورت و معنی در غزلیات کاتبی نیشابوری» که به راهنمایی دکتر محمدامیر عبیدی‌نیا در دانشگاه ارومیه نوشته، به بررسی صور خیال و معانی و مضامین غزلیات کاتبی پرداخته است. همچنین در تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیات با چند عبارت محدود و کلی که در مورد بیشتر شاعران این اصطلاحات تکراری را به کار می‌برند، سبک او را معرفی کرده‌اند.

### ضرورت تحقیق

ظهور یک سبک و از رونق افتادن سبک پیش از آن فوری و بدون پیش زمینه اتفاق نمی‌افتد. یقیناً قبل از ظهور سبک جدید تلاش‌هایی هرچند نامحسوس و کم‌رنگ صورت گرفته که با پر رنگ شدن آن‌ها، سبک تازه پدیدار شده است. این تلاش‌ها را می‌توان حلقه واسط بین دو سبک نامید که تبدیل سبک پیشین به سبک بعدی را طبیعی نشان می‌دهد. شعر کاتبی یکی از حلقه‌های واسط بین سبک عراقی و سبک هندی است. بررسی ویژگی‌های سبکی اشعار کاتبی و معاصران او، چگونگی تبدیل سبک عراقی به هندی را تا حدی روشن خواهد کرد.

### روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش غزل‌های کاتبی نیشابوری است. تعداد غزل‌های کاتبی در دیوان چاپی وی ۴۴۸ است. افزون بر آن ۱۲۵ غزل نیز در نسخه‌های خطی دیگر که در تصحیح نسخه چاپی از آن‌ها استفاده نشده است، وجود دارد. برای استخراج ویژگی‌های سبکی کاتبی همه این ۵۷۳ غزل مطالعه شده و به ترتیب از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری بررسی شده‌اند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای نوشته شده است.

### بحث و بررسی

مجموع غزل‌های کاتبی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری از نظر سبکی مطابق با قالب ارائه شده توسط دکتر سیروس شمیسا در کلیات سبک‌شناسی بررسی می‌شود.

#### ۱ - سطح زبانی

در بخش زبانی، غزلیات کاتبی در سه سطح آوایی، لغوی و نحوی بررسی می‌شود.

##### ۱-۱. سطح آوایی

۱-۱-۱. موسیقی بیرونی (بررسی اوزان عروضی غزل‌ها): ۳۶ درصد غزل‌های کاتبی در بحر رمل، ۲۰ درصد آن‌ها در بحر مجتث، ۱۶ درصد در بحر هزج، ۱۳ درصد در بحر مضارع و ۱۵ درصد در بقیه بحر‌ها (رجز، سریع، منسرح، مقتضب، خفیف و ...) سروده شده است.

۱-۱-۲. موسیقی کناری (بررسی قافیه و ردیف غزل‌ها): تقریباً ۸۰ درصد غزل‌های کاتبی دارای ردیف است؛ انواع ردیف از ردیف‌های معمول حرفی، اسمی و فعلی گرفته تا ردیف‌های دو جزئی، سه جزئی و در حد یک جمله در غزل‌های او دیده می‌شود. بیشتر غزل‌های مردّف کاتبی دارای ردیف یک جزئی است، تعداد زیادی از آن‌ها ردیف دو جزئی و ردیف بعضی از غزل‌های او بیشتر از دو جزء دارد. در غزل زیر که مطلع آن در اینجا آمده، تنها کلمه اوّل مصراع دوم قافیه بوده و «چرا که خانه دل بی‌رخ تو نور ندارد» به عنوان ردیف شعر در همه ابیات تکرار شده است:

در آ که خانه دل بی‌رخ تو نور ندارد      چرا که خانه دل بی‌رخ تو نور ندارد

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۰۷)

در تعداد زیادی از غزل‌های کاتبی تکرار قافیه وجود دارد که بیشتر آن‌ها به صورت ردّ القافیه است و یا قافیه اوّلین مصراع غزل در مصراع آخر نیز تکرار شده است.

۱-۱-۳. موسیقی درونی: در این بخش آرایه‌های لفظی از قبیل انواع جناس، اشتقاق، تکرار و سایر مختصات آوایی غزل‌ها بررسی می‌شود.

۱-۱-۳-۱. جناس: کاتبی با سرودن منظومه «ده باب» که در تمام ابیات آن التزام جناس کرده، خود را شاعری علاقه‌مند به جناس معرفی کرده است. اما در غزل‌ها در استفاده از این آرایه، بندرت از جاده اعتدال خارج می‌شود. او جز غزل زیر که در تمام ابیات آن ترکیب «گل‌بار» را جناس قرار داده و چند غزل دیگر، در باقی غزل‌ها از انواع جناس به‌طور متعادل استفاده کرده است:

تو راست با قد چون نارون رخ گلبار	کسی ندید که آورد نارون گل، بار
مرو زکوی خود ای لاله رخ که بلبل مست	رود به ناله چو بر بندد از چمن گل، بار
به اتفاق سرشکم که شد بر آن سر کوی	تو نیز ابر بهاری بیا و بر گل، بار
فغان ز باد خزان می‌کنم چو مرغ سحر	که شد بهار و ندارم بر تو ای گل، بار
ز نزد سرو قدت برد کاتبی رخ زرد	چو عندلیب که بر دارد از دل گل، بار

(همان: ۱۴۳)

۱-۱-۳-۲. تکرار

تکرار از مباحثی است که در غزل‌های کاتبی تنوع فراوانی دارد. تکرار مصوت، صامت، واژه، عبارت و مصراع، در غزلیات مورد توجه کاتبی است.

۱-۱-۳-۲-۱. تکرار مصوت: مصوت بلند «آ» در دو مصراع زیر چندین بار تکرار شده است؛

گر یار ره عدل رود آن کرم اوست      باری تو به هر حال طلبکار ستم باش

(همان: ۱۴۸)

۱-۱-۳-۲-۲. تکرار صامت (تکرار حروف «ن، ب و د» در بیت اول و تکرار حرف «ش» در بیت

دوم):

تکرار حروف «د» و «ب» و «ن»

در این دریا که کمتر قطره‌اش تیغ است غوصی کن      که سرهای نهنگان بی‌بدن بینی به ساحل‌ها

(همان: ۵۹)

شعله شمشیر شوق، شمع درون من است      گرمی بازار عشق از تف خون من است

(همان: ۱۳۹)

۱-۱-۳-۲-۳. تکرار واژه: تکرار واژه در کلام انواعی دارد:

الف - ردّ العجز علی الصدر (ردّ الصدر الی العجز): تکرار کلمه آغاز بیت در پایان آن ممکن است صورت‌های مختلفی داشته باشد که در اشعار کاتبی نیز بعضی از این شکل‌ها وجود دارد.

الف) گاهی کلمه در همان معنی و شکل عیناً تکرار می‌شود. (کلمه تکرار شونده در بیشتر موارد، دقیقاً اولین و آخرین کلمه بیت نیست)

از مجمره سینه بجز دود ندیدیم      خاکستر دوزخ به از این مجمره ما

(همان: ۲۳)

ب) گاهی دو کلمه که در کنار هم ترکیبی را تشکیل داده‌اند؛ اعم از اضافی یا وصفی، در

مصراع دوم، عیناً یا با کمترین تغییر تکرار می‌شوند.

آرام جان همیشه یار است کاتبی را      یکدم اگر نبیند آرام جان ندارد

(همان: ۱۰۰)

به دست قدرت خود ساخت ساعدش ایزد      نیاید این قدر الا ز دست قدرت او  
(همان: ۲۰۸)

(ج) گاهی یکی از کلمات مفرد و کلمه دیگر جمع است.  
زاهدان گریان به خلوت عارفان خندان به باغ      خنده عارف کجا و گریه زاهد کجاست؟  
(همان: ۵۶)

عشاق بلا جو را یک شوخ نمی جوید      هر شوخ بلایی شد از بهر بلا جویان  
(همان: ۲۰۶)

(د) گاهی دو لفظ متجانس‌اند.

در پای دار هر که به عشقش نباخت سر      ای خواجه جاه و دولت او پایدار نیست  
(همان: ۳۹)

(ه) دو لفظ مترادف‌اند. (تکرار معنایی)

به خاک ما چو رسی چشم اگر نپوشانی      ز باغ خلد بود روزنی به تربت ما  
(همان: ۲۸)

سجده‌گام نقش نعل مرکبت گر شد مرنج      زانکه در روی زمین زین خوبتر محراب نیست  
(همان: ۴۶)

۱-۳-۳. اشتقاق: کاتبی در غزلیات خود علاقه زیادی به آوردن واژه‌های مشتق در طول یک بیت نشان داده است. شاید بتوان گفت که تمایل او به اشتقاق از ویژگی‌های برجسته سبک اوست: چو محصول دو عالم عاقبت بی حاصلی آمد      پی تحصیل علم عاشقی در باز حاصل‌ها  
(همان: ۲۳)

چون حاصل و محصول عمل قید طریق است      ای طالب این علم ز تحصیل چه حاصل  
(همان: ۱۶۶)

علاوه بر شواهد فوق کاتبی در بیش از ۱۲۰ بیت از غزل‌هایش از این آرایه بهره برده است؛ از جمله در صفحات ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵ و ... واژه‌های مشتقی چون عشق/عاشق، نظاره/نظر، پرسش/پرسیده، انکار/منکر، میرم/مرده، مقوی/قوی،



زوايا/ منزوی/ زاویه، ربود/ ربوده، زهد/ زاهد، حریم/ حرمت/ حرم، طالع/ طلعت، پیمودن/ پیمانہ، دقیق/ دقیقه، دانش/ دانایی، رحیل/ مرحله و ... آورده است.

۱-۳-۴. شبه اشتقاق: برای این مورد نیز مثال‌های زیادی در غزلیات کاتبی وجود دارد:

گر به دوزخ باشم ای حور بهشت      باشد از یاد تو عذیم آن عذاب

(همان: ۳۶)

در صفحات ۲۱، ۲۵، ۳۰، ۳۴، ۴۷، ۶۱، ۷۴، ۹۰ و ... در کلماتی چون «غزال/ غزل، خط/ خطا، افسانه/ افسون، جم/ جام، خلیل/ خلل، خالی/ خیال، سماک/ سمک، تاریک/ تارک و ... شبه اشتقاق وجود دارد.

۱-۴. سایر مختصات آوایی:

کاتبی گاهی متحرکی را تبدیل به ساکن کرده، مثلاً در «وه چرا از دیده نقش آن میان بر بود اشک» (همان، س: ۱۴۴) یا افعال و کلمات زیادی را به صورت مخفف به کار برده، مثلاً در «گرم تا نبود هوا نارد کسی یاد صبا» (همان، بیت ۱: ۵۳) یا صدای کوتاه را به صدای کشیده تبدیل کرده، مثلاً در «در رخت گر از دلم صبر اوفتاد، از دیده اشک» (همان، ۸۸۰: ۴۱) گاهی نیز صدای کشیده را به صدای کوتاه تبدیل کرده است؛ مثلاً در مصراع «کهگل از دیوار خود ساز و به سوی من فرست» (همان: ۱۱۱)

۲-۱. سطح لغوی:

۲-۱-۱. واژه‌های عربی: در کاربرد واژه‌ها، یکی از موارد شایسته توجه، استعمال بعضی واژه‌های عربی است که معادل رایج آن در زبان فارسی وجود دارد. به طوری که شاعران دیگر و حتی معاصران کاتبی نیز از معادل فارسی یا عربی رایج‌تر این واژه‌ها استفاده می‌کنند. علت چنین استعمالی گاهی ضرورت جناس است؛ اما گاهی بدون در نظر گرفتن این ضرورت از لغات عربی با ویژگی یاد شده، استفاده کرده است. در ابیات زیر به جای واژه‌های رایج دشمن، پرنده، سر، چهارم، پنجم، دوم، سوم، صبح و ... از واژه‌های عدو، طایر، فرق، رابع، خامس، ثانی، ثالث، صباح و ... که در زبان فارسی رواج کمتری دارند، بهره گرفته است:

ای دل ار عاشقی چو من می‌باش      عدوی جان و خصم تن می‌باش

تو طایر چمن دیگری نه آن مرغی  
 همیشه ملتسم روی و موی و عارض توست  
 که آیی و دل ویرانم آشیان سازی  
 ز حق که جاعل لیل است و فائق الاصبح  
 (کاتبی، ۱۳۸۲: ۷۶، ۱۴۸ و ۲۲۱)

هست بر فرق تو آن گیسوی پرتاب و شکنج  
 یکی شناس‌مده دل به هفت و هشت و شش و نه  
 ازدهایی که بود روز و شبان بر سرگنج  
 چه جای رابع و خامس، چه حد ثانی و ثالث  
 کجاست طره مشکین چنگ و عارضِ راح  
 (کاتبی، ۱۱۶: ۸۸۰، ۱۱۴ و ۱۱۷)

۲-۲-۱. واژه‌های قدیمی فارسی: گاهی در شکل یا معنی، از واژه‌های فارسی رایج در سبک خراسانی (باستانگرایی) استفاده کرده‌است:

«شنا» را به شکل «شناه» (کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۷) «ماندن» را در معنی رهاکردن و به حال خود گذاشتن (همان: ۵۳ و ۱۷۰) «آمد» را در معنی «شد» (همان: ۲۳)؛ «شد» در معنی «رفت» (همان: ۳۷)، آورده است.

۳-۲-۱. تحت تأثیر لهجه خراسانی که در لهجه امروزی این منطقه هم رواج دارد، در چند بیت «رفت» را در معنی «شد» به کار برده است:

مهر آن مه روی هرگز از دل ما کم نرفت  
 وز نظر نقش لب او دیده را یکدم نرفت  
 (کاتبی، ۸۸۸: ۳۶۸)

محراب ابروی تو چو بیند به چشم خود  
 از بهر سجده قدمه نو کمان رود  
 (کاتبی، ل: ۱۴۰)

۶-۲-۱. ترکیبات نو: در دیوان غزلیات کاتبی، ترکیبات نو بسامد نسبتاً بالایی دارد، در اینجا به تعدادی از این ترکیبات که بندرت در دیوان دیگر شعرا دیده می‌شود، اشاره می‌کنیم: جنس دوزخ، کاغذ فرمان، خیرباد (وداع)، بی‌هوش دارو، داد و ستاد، خرده‌دان، خوش‌جا، چه بلا، قدر انداز، ستاره بازی، رخ بازی (بازی شطرنج)، صندوق فلک، خرید و فروخت (خرید و فروش)، همکاره، بالای خان (سر سفره)، اهل دید (اهل بصیرت)، نیم کشتن، حسن بر مزید، کشتنی (قربانی)، آموخته (اهلی)، نونیاز، چنین‌ها، باز آورد (انعکاس)، کم‌زری، بی‌زادی، پُردان (دانا)، آدمی‌گری،

پوشیده رخ، جادو و شأن، مهرخو، تیر چیدن، نقش خانه، قلعه دار، مکمل شده، مرده تن، نکو مذهبی، کرشمه رنگین، نکوانداز، تاجر به زر خود، آسیب ریختن، میان گیری، نازک خریدار، و ... .

### ۳-۱. سطح نحوی

#### ۳-۱-۱. در سطح فعل

کاتبی در غزلها، افعال را گاهی به شیوهء سبک خراسانی به کار برده، مثلاً به جای «می» از «ی» استمراری استفاده کرده؛ مانند «خوردی» به جای «می خورد» (کاتبی، ۱۳۸۲: ۲۲۹) یا به جای «می»، «همی» به کار برده؛ در «همی گفتی» (همان، ل: ۵۳) یا به اول فعل امر «می» آورده؛ در «می باش» و «می بین» (همان، ۱۳۸۲: ۲۲۹) یا بین فعل و پیشوند منفی ساز آن فاصله انداخته؛ در مصراع «ای طیب آخر نه از جانان شکایت می کنم» به جای شکایت نمی کنم. (همان: ۱۳۹) و یا گاهی بر سر فعل ماضی بای تأکید آورده است؛ در «برفتند» (همان، ۸۸۸: ۳۷۷) و «بدید» (همان، ۱۳۸۲: ۲۱۸)

۳-۱-۲. در سطح ضمیر: کاتبی در مواردی ضمیر مشترک «خود» را برای تأکید آورده؛ مثلاً در مصراع «آری صبی صبی بود ار خود نبی بود» (همان: ۹۸) و در بسیاری از ابیات او رقص ضمیر که نوعی هنجارگریزی نحوی محسوب می شود، اتفاق افتاده است؛ مثل «میان گر گیرمت عیبم مکن بیش» (همان: ۱۵۲)

#### ۳-۱-۳. در سطح حروف:

۱- حرف «را»: حرف «را» که در اصل نشانهء مفعولی است، در تعداد زیادی از ابیات غزلهای کاتبی در معانی دیگری مثل «را» ی فکّ اضافه در «دجلهء چشم مرا هست آب افزونتر ز شط» (همان: ۱۵۶) یا در معنی حرف اضافه در «چرخ را گفتم که بس چالاک و چستی در سلوک» (همان: ۱۹۶) آمده است. گاهی نیز مفعول جمله بدون نشانهء مفعولی است؛ «کوی خود از کشتن ما پر صدای تیغ ساز» (همان: ۱۵۴)

۲- حروف اضافه: کاتبی گاهی «در» را به جای «به» به کار برده مثلاً مصراع در «چون مرا جان از لب لعل تو آمد در بدن» (همان، ۸۸۸: ۳۰۶) یا از «به» به جای «در» استفاده کرده؛ در مصراع «گه سجود است به میخانه مرا گاه قعود» (همان، ۱۳۸۲: ۱۸۹) یا «به» به جای «با» آمده؛ در

مصراع «تا شنیدم آن پری دارد سر صلحی به من» (همان، ۸۸۴: ۱۶۴) و در مواردی «با» را به جای «به» به کار برده است؛ مثل در مصراع «وصف طوبی و شراب کوثری با ما بگو» (همان، ۱۳۸۲: ۱۸۸)

۲- سطح ادبی: کاتبی در غزل‌هایش اصراری به کاربرد افراطی صور خیال نداشته و از این عناصر در شعر خود به طور طبیعی سود جسته است. نتایج زیر از بررسی ۵۰ غزل او که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، حاصل شده است:

۱-۲. استعاره: در غزل‌های کاتبی ۲۶ درصد صور خیال به استعاره اختصاص دارد که تقریباً ۱۳ درصد آن، استعاره مصرّحه و ۱۲ درصد استعاره مکنّیه است. از مجموع ۴۷۵ مورد صور خیال موجود در ۵۰ غزل، ۶۲ مورد استعاره مصرّحه و ۵۴ مورد استعاره مکنّیه است. این آمار نشان می‌دهد که توجه کاتبی به استعاره مکنّیه در مقایسه با استعاره مصرّحه، اندکی کمتر است.

۱-۱-۲. استعاره مصرّحه: بسامد استعاره مصرّحه در غزل‌های کاتبی کمی بیش از استعاره مکنّیه است و در آن‌ها تنوع و تازگی چندانی دیده نمی‌شود. وی در بیشتر موارد استعاره‌های معمول و مورد استفاده شاعران پیشین را تکرار کرده است:

دلا سرای عناصر گذار کز پی جاه	هزار کشته در این کهنه چار دیواری است
هر لحظه تیغ غمزه و خال بتان جوید دلم	این مرغ را خاطر کشد هر دم به آب و دانه‌ای

(همان: ۳۹ و ۲۱۴)

۲-۱-۲. استعاره مکنّیه: بسامد استعاره مکنّیه اندکی کمتر از استعاره مصرّحه است، ولی پویایی و تازگی در آن نسبت به استعاره مصرّحه، بیشتر است:

آن شناسد حال اشک ما که چون افتاده است	کز میان مردمان ناگه برون افتاده است
آمد اجل شادی کنان گفتم ز هجرانم به جان	خواهی که باشم شادمان کام من نا شاد ده

(همان: ۳۹ و ۲۱۲)

۲-۲. تشبیه: تشبیه بیش از سایر ابرازهای بیانی در آفریدن صور خیال غزل‌های کاتبی، مورد استفاده قرار گرفته است. تا جایی که ۳۴ درصد از عناصر خیال موجود در غزل‌های مورد بررسی مربوط به تشبیه است. تشبیه بلیغ بیشتر از سایر انواع تشبیه مورد توجه وی بوده است:

قندیل دل از مشلعه شوق برافروز  
 کز پرتو خورشید بود روشنی ماه  
 دل در درون سینه‌ام مستی است در میخانه‌ای  
 جان در دلم دیوانه‌ای در گوشه ویرانه‌ای  
 (همان: ۲۱۱ و ۲۱۴)

۲-۳. کنایه: در غزل‌های کاتبی کنایه از نظر بسامد جایگاه ویژه‌ای دارد. به طوری که ۲۴ درصد صور خیال غزل‌های او را کنایه تشکیل می‌دهد. کنایه‌های کاتبی تازگی چندانی ندارد و بسیاری از آن‌ها را می‌توان در اشعار شاعران گذشته دید:

به خاکیان مفشان آستین که روز شمار  
 به دامنت نبود دست بی حساب زده  
 حدیث شادی وصل تو قصه‌ای است دراز  
 مباد دست من از دامن غمت کوتاه  
 (همان: ۲۱۴ و ۲۱۵)

تعدادی از کنایات کاتبی: به خاک افتادن، آب در دهان آمدن، خون شدن جگر، گهر در پای کسی افشاندن، دیده از چیزی بستن، به کسی روی نمودن، آتش در دل افکندن، میان برای امری بستن، سایه بر سر کسی انداختن و ...

۲-۴. مجاز: کاتبی از میان ابزارهای بیانی، به مجاز کمترین توجه را داشته و در این زمینه ابتکاری از خود نشان نداده است:

گفته‌ای در هر قدم صد کشته دارد آن سوار  
 این ز من بشنو که بودم در عنائش سال‌ها  
 به خاک ما چو رسی چشم اگر نپوشانی  
 ز باغ خلد بود روزنی به تربت ما  
 (همان: ۲۶ و ۲۸)

۲-۵. مراعات نظیر: غزل‌های کاتبی را می‌توان جلوه‌گاه تناسب و مراعات نظیر دانست. خوشه‌های مختلف تناسب در شعر او وجود دارد تا حدی که در موضوع تناسبات شعر کاتبی می‌توان مقاله‌ای مستقل نوشت:

مریض هجر ندارد امید بهبودی  
 شنوادم از حکما مرگ را دوایی نیست  
 (همان: ۴۵)

چو مرغ وصل به سویم نمی‌کند پرواز  
 ز آب چشم چه حاصل مرا و دانه دل  
 (همان: ۱۶۶)

۲- ۶. ایهام: کاتبی به ایهام توجه خاصی دارد و این شگرد ادبی را می‌توان از ویژگی‌های برجسته سبکی او دانست. وی تنها واژه «مردم» را در دو معنی «انسان‌ها» و «مردمک چشم» حدود ده بار در بیت‌های مختلف آورده‌است. سه نمونه از ایهام با واژه مردم:

چشم‌چون پوشیم ما را مرده خواندن شرط نیست	یک دو روزی در به روی <u>مردمان</u> خواهیم بست
دو چشم شوخ تو هر یک بلای خون‌ریزند	اگرچه گوشه‌نشینند <u>مردم</u> آمیزند
<u>مردمان</u> بر اشک گلگونم گواهی می‌دهند	شوخ چشمی بین که بر خونم گواهی می‌دهند

(همان: ۴۱، ۸۳، ۸۷)

۲- ۷. ایهام تناسب: ایهام تناسب نیز در غزل‌های شاعر بسامد نسبتاً بالایی دارد:

<u>عزیز</u> من نباید در وفا کمتر ز زن بودن	که جان رفت و نرفت از دل غم یوسف زلیخا را
<u>محراب</u> ساقی است و دلم پیش او مدام	چون شیشه ایستاده <u>سجود</u> و <u>قیام</u> را
ای کاتبی منال به <u>آهوی</u> او ز هجر	هشیار را خطاست به مست خراب بحث

(همان: ۲۲، ۲۷، ۷۱)

۲- ۸. حسن تعلیل: حسن تعلیل به عنوان یکی از شگردهای ادبی در غزل‌های کاتبی کاربرد نسبتاً زیادی دارد:

ز تو بویی مگر ای گل به چمن برد صبا	که نسیم سمن از باد چمن می‌آید
پر آتش است جهان از پر کبوتر مهر	مگر که نامه شوق من است بر بالش
تا گدایی کند از چشم تو نرگس نظری	کاسه در دست ستادست چو ناپینایی

(همان: ۱۰۴، ۱۵۰، ۲۳۰)

۲- ۹. اسلوب معادله:

استاد شفیعی کدکنی در تعریف اسلوب معادله نوشته‌اند: «آنچه متأخرین بدان تمثیل اطلاق کرده‌اند، معادله‌ای است که به لحاظ نوعی شباهت، میان دو سوی بیت - دو مصراع - وجود دارد و شاعر در مصراع اول چیزی می‌گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر، اما، دو سوی این معادله، از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند و شاید برای جلوگیری از اشتباه بتوان آن را اسلوب معادله خواند تا آنچه را که قدما تمثیل یا تشبیه تمثیل خوانده‌اند از قلمرو تعریف جدا کنیم. همچنین کاربرد مثل را - که ارسال المثل است و مایه اشتباه بعضی از اهل ادب شده است و آن را تمثیل خوانده‌اند - نیز از حوزه تعریف خارج کنیم.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۸۴ و ۸۵)

کاتبی از این اسلوب به خوبی استفاده کرده است. بسامد اسلوب معادله در شعر کاتبی به اندازه‌ای است که هنگام مطالعه غزل‌های او، خواننده شعر او، احساس می‌کند که دیوان یکی از شاعران سبک هندی را در برابر خود دارد.

در عشق تو از خیل خرد دیده بیستم	بر لشکر بیگانه بیندند گذرها
آمد نشان عاشقی اشکم که گلگون می‌رود	دانند ماهی کشته شد چون سرخ بینند آب را
جان ندارد از گنه فکری گر از تن وارهد	زخم ماهی به شود چون رفت در دریا ز شست
شد بدل هجران به وصل و تلخ کامم زو هنوز	زخم خوش گردد ولی ماند نشانش سال‌ها
رقیب آمد و من زار زار می‌گیریم	چو ابر تیره بر آمد، هوای باران است

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۴۱ و ۴۸)

۲- ۱۰. پارادوکس: پارادوکس یکی از شگردهای ادبی نسبتاً پرکاربرد کاتبی، در غزل‌های اوست. شاعر در جای‌جای دیوان خود از این شگرد ادبی در بیان مفاهیم عرفانی بهره برده، بر زیبایی و جنبه معنایی شعر خود افزوده است. در اینجا غزلی از ایشان می‌آوریم که در آن چندین مورد پارادوکس وجود دارد (۱- چشم خواب‌آلودی که موجب بیداری دولت است. ۲- صبری که شتاب‌آلود است. ۳- لطفی که عذاب‌آلود است. ۴- جرمی که ثواب‌آلود است):

کام مستان چیست لبهای شراب‌آلود تو	دولت بیدار مردم چشم خواب‌آلود تو
دم‌به‌دم فرماییم کز آتش من دور باش	سوخت جانم را سخنهای عتاب‌آلود تو
ای که مقصود تو از ناکشتن من کشتن است	خواهدم کشت آخر این صبر شتاب‌آلود تو
گه به مهرم خوانی و گاه از نظر رانی به قهر	تا چه خواهد کرد این لطف عذاب‌آلود تو
توبه دادی کاتبی از می برای دفع عام	رحمت ای ساقی بر این جرم ثواب‌آلود تو

(همان: ۲۱۰)

## ۲- ۱۱. مضمون آفرینی

یکی از مباحث مطرح در سبک کاتبی توجه او به مضمون پردازی است. اگر چه حق این مطلب را در این بخش نمی‌توان ادا کرد، برای نمونه تعدادی از مضامینی را که کاتبی حول محور «خورشید» آفریده، در اینجا ذکر می‌کنیم:

گر نور صبح لاف نزد از صفا به می خورشیدش از چه جرم چنان در زبان گرفت

مگر خورشید، رویت دید چون شمع  
نیست چون من سوز مهرت سربلندان را نصیب  
خورشید ذره ذره رود در سـررای او  
صبح و خورشید اسیر سپه عشق شدند  
هر صبح دود آه من آتش به گردون افکند  
نور خورشید اگر نیست گریزان از تو  
زان روز که خورشید صفت تیغ نهان کرد  
لب فرو بند که گر سینه پر از تیغ بود  
که در وصف تو سرتا پا زبان است  
گرمی خورشید افزون تر بود در جای پست  
آن زهره نیستش که به یکبار در رود  
این کفن بر کف و آن تیغ به دندان دارد  
خورشید را همچون شفق در خاک و در خون افکند  
هر نفس از که بود در پس دیوار دگر؟  
هر شب چو شفق چهره به خونابه بشویم  
همچو خورشید نشاید به زبان آوردن  
(همان: ۴۶، ۵۵، ۶۶، ۹۳، ۹۴، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۷۸ و ۲۰۲)

سرخ شد اشکم که گفتمی بر سر بام الوداع  
چون فرو خواهد شدن خورشید گردد آب سرخ  
(کاتبی، ۸۸۴: ۱۱۸)

### ۳. سطح فکری

حوزه مباحث فکری غزل‌های کاتبی خیلی گسترده است. در این بخش تنها به برجسته‌ترین مسائل فکری موجود در غزل‌های کاتبی از قبیل دین، عشق، عرفان، شراب و ... پرداخته شده است.

۳-۱. دین: کاتبی از دیدگاه فکری، به اصول دینی پایبند است. او خود را در منصب یک مصلح دینی می‌بیند و از این جایگاه به امر و نهی مخاطب می‌پردازد و سعی در اصلاح او دارد. مسایل دینی و اصطلاحات مربوط به آن در غزل‌های کاتبی فراوان است. اصطلاحاتی چون: نماز، وضو، تیمم، طهارت، رکوع، سجده، تکبیر، سجود، قیام، قعود، شهادت، ساجد، مسجد، محراب، قبله، مصلی، حرم، کعبه، مکه، بیت الحرام، طواف، طوف، زمزم، مروه، صفا، حجرالاسود، زیارت، عرفات، قربان، حاجی، واجب، مستحب، فرایض، فرض، دعا، فاتحه، سوره اخلاص، آیه، دیانت، اهل کتاب، اهل ایمان و ...



مطابق قول بیشتر تذکره نویسان و با توجه به محتوای قصایدش، کاتبی شیعه است. چنانکه مدرس خیابانی تبریزی در ریحانه الادب آورده: «از بعض اشعارش تشیع او اظهار می‌شود و از ابیات او قصیده‌ای است که در مدح امیرالمؤمنین (ع) سروده‌است:

ای دل سخن ز دست و دل بوتراب کن      آباد ساز کعبه و خیر خراب کن  
خاک عدو به باد ده از گرد دلدلش      از ذکر تیغ او جگر خصم آب کن  
با هر که آن گرفت انس، انس گیر      وز هر که اجتناب نمود، اجتناب کن

مناجات، اشعار و قصایدی در مناقب ائمه اطهار علیهم السلام بدو منسوب است...» (مدرس خیابانی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۵)

در غزل‌های کاتبی نیز اصطلاحات مربوط به تشیع فراوان است از جمله در ابیات زیر؛  
چون تویی محراب کی برم نماز      گر زنندم تیغ همچون بوتراب  
(کاتبی، ۱۳۸۲: ۳۶)

دانه‌های اشک من آلوده خون دل است      همچو تسبیحی که می‌آرند از خاک حسین  
(همان، ۸۸۸: ۳۳۸)

بر سر کویت همین اشک فراوان است و بس      همچو دشت کربلا کش آب باران است و بس  
(همان، بیتا ۲: ۱۶۰)

۳ - ۲. عرفان: تعداد زیادی از غزل‌های کاتبی رنگ و بوی عرفانی دارد، مضامین عرفانی در اشعار وی پر رنگ است. رضاقلی هدایت در ریاض العارفین او را از «ارباب سلوک و عرفان و اصحاب مجاهده و ایقان» می‌شمارد. (هدایت، ۱۳۱۶: ۱۵۶) وجود تعداد زیادی از اصطلاحات عرفانی در غزل‌های کاتبی دلیل روشنی بر این مدعاست: تصوّف، صوفیه، صوفی، معرفت، عارف، عرفان، اهل نظر، اهل دل، اهل معنی، اهل جنون، اهل درون، اهل سودا، اهل صفا، اهل خرقه، اهل درد، اهل دید، اهل راز، اهل طریق، صاحب نظر، صاحب قدم، صاحب مشرب، صاحب دل، سالک، سیر و سلوک، پیر مغان، پیر خرابات، مرید، مراد، کشف و کرامات، طیلسان، کسوت فقر، شیخ، رند، شیخ صنعان، پیر میخانه، پیر می‌فروش، ترک و تجرید، منصور حلاج، انا الحق و ...

## ۳ - ۳. موسیقی

به کار بردن اصطلاحات موسیقی نشان از آشنایی کاتبی به موسیقی دارد؛ اصطلاحاتی مثل: چنگ، مطرب، نوا، عشاق، مخالف، راست، عود، قانون، ابریشم، آواز، آهنگ حسینی، نی، طبل، نقاره، کوس، نفیر و ... .

## ۳ - ۴. عشق

عشق در غزلیات کاتبی بازتابی گسترده دارد. او نیز مثل بیشتر شاعران عارف، خود را در جایگاه عاشق می‌بیند و از این منظر به جهان می‌نگرد. مضامین مربوط به عشق در غزل‌های کاتبی پر رنگ است. او عشق را تنها معامله پر سود می‌داند. جنگ بین عقل و عشق در شعر او جریان دارد، مرد بی‌عشق را مرغ بی‌پر می‌داند، معتقد است که عاشقان با خون وضو می‌گیرند، طوفان عشق برای او به منزله کشتی نوح است؛

نماز عشق گزاران به خون کنند طهارت  
به شرع اگرچه وضو را همیشه خون شده ناقض  
(کاتبی، ۸۸۴: ۱۵۷)

مرد بی‌عشق کی‌رسد به مراد  
مرغ بی‌بال کی کند پرواز  
(کاتبی، ۸۸۸: ۳۶۹)

زیان نکرد کسی کاتبی که عشق خرید  
سپاه عشق چو در ملک جان فرود آید  
عاقلان ترسند از دریای بی‌پایان عشق  
در عشق شاه بنده بود ای عزیز من  
تو هم بکوش که سودت در این معامله است  
خرد ز قلعه دعوی روان فرود آید  
کشتی نوح است گویی بهر ما طوفان عشق  
در مصر عشق پادشهم خوان که بنده‌ام  
(کاتبی، ۱۳۸۲: ۴۵، ۱۲۲، ۱۵۹ و ۱۷۸ و ۳۶۹)

## ۳ - ۴ - ۱. اوصاف معشوق

چهره معشوق در غزل کاتبی آفتاب، ماه، شمع، آتش، آینه، گلستان، لاله و یاسمین؛ لبش شیرین، حلوا، شکر، قند، آب حیات، میگون، غنچه، لعل، یاقوت رنگ، پر خنده و جانبخش؛ چشم او خمار، بیمار، جادو، آهو، بادام، نرگس، شوخ، مردم‌کش، خون‌ریز، مست، صیاد و فتان؛ زلفش عنبرافشان، شب‌رنگ، هندو، مه‌پوش، شب‌های دراز، پر طاوس، صدمشک ختن، صد نافه چین، کج، پریشان،

سرفتنه، کمند، زنجیر، اژدها، مار؛ خطّش دلجو، طوماری برای دل دیوانه عاشق، مگسی بر گرد شکر، طلسم گنج مراد، سپاه زنگ، طوطی، سبزه رخسار؛ مژگانش تشنه خون، ناوک، سوزن، خار، سیخ، خیل نیزه‌دار و نیشتر؛ طره او صیادی طرار و ریسمانی برای نجات عاشق. معشوق در شعر او موجودی ستم پیشه و جفاکار، از حال عاشق بی‌خبر، نسبت به عاشق بی‌اعتنا، همه مردم شهر هوادار او، سوار بر اسبی بادپا و در عین حال، آرام جان عاشق وصف شده است.

### ۳- ۴- ۲ اوصاف عاشق

چهره عاشق در غزل‌های کاتبی دارای نگاری از خون؛ جامه‌اش صدپاره و خونین؛ دائماً اندوهگین، زار و نالان؛ دل آرامش غم زلف یار؛ دلش سوزان و مثل دیوانه‌ای در میان آتش؛ آتش آتشین؛ جانش پیراهن عشق، تن لاغرش استخوانی می‌آلوده؛ فرق سرش از تیغ معشوق دو نیمه، اشکش سرخ و رخس زرد؛ سجده گاهش رخ معشوق، خوابش در معرض غارت چشم یار؛ غذایش خون؛ حالش آشفته؛ چاره‌سازش مرگ؛ رخسارش بر خاک پای معشوق؛ مجنون‌وار آواره کوه و صحرا؛ چون فرهاد گرفتار غم شیرین، در قصه چون مجنون در غصه چون فرهاد.

### ۳- ۵- ۵. شراب

مضامین مربوط به شراب از مضامین آشنا در شعر فارسی محسوب می‌شود. کاتبی در غزل‌های خود به توصیف شراب و مضمون آفرینی با آن توجه نشان داده‌است. از جمله در ابیات زیر که بخشی از یک غزل اوست؛

بی ساقی و شراب مرا دل ز جان گرفت	خوش وقت آن که خانه به کوی مغان گرفت
ساقی بیا که دور فلک همچو آفتاب	با صد هزار تیغ مرا در میان گرفت
می خواست خُم که فاش کند سرّ باده را	چون مست بود پیر مغانش دهان گرفت
گر نور صبح لاف نزد از صفا به می	خورشیدش از چه جرم چنان در زبان گرفت

(همان: ۴۶)

## ۳-۶. غم پرستی

دوست داشتن غم و برگزیدن درد هجران به جای شادی وصال در اشعار سبک عراقی ریشه دارد؛ ولی در شعر شاعران سبک هندی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و از مفاهیم آشنای آن سبک محسوب می‌شود، در شعر کاتبی نیز این ویژگی پر رنگ است. ابیات زیر بیانگر اندیشه غم‌پرستانه کاتبی است:

گفت کاین توشه ره ساز که وقت سفر است  
باران در یتیم به ساحل نمی‌شود  
همه زیباست اگر چهره زیبایی هست  
عاقبت خوشتر ز غم در عاشقی یاری نیافت  
باری تو به هر حال طلبکار ستم باش  
مباد دست من از دامن غمت کوتاه  
(همان: ۹۱، ۶۵، ۱۲۲، ۱۴۳، ۱۴۸ و ۲۱۴)

روزن آن لحظه دهد نور که گردید فراخ  
(همان، ۸۸۸: ۲۲۷)

همچو آن گرسنه‌ای کو به طعامی برسد  
(همان، ۸۸۴: ۱۲۹)

کاتبی یار غمت داد چو بیمار شدی  
ای کاتبی مجوی ز دریای غم کنار  
کاتبی محنت و اندوه و بلا و غم و رنج  
گشت عمری کاتبی تا دوستی آرد به چنگ  
گر یار ره عدل رود آن کرم اوست  
حدیث شادی وصل تو قصه‌ای است دراز

بر دل آن زخم کزین پیش زدی افزون ساز

کاتبی شاد شود چون غمت آید پیشش

## ۳-۶. مفاخره

از دیگر مضامین برجسته در غزل‌های کاتبی مفاخره‌های اوست. کاتبی خود را سوارکار عرصه شاعری و اوراق دیوانش را اطباق فلک می‌داند. خط دیوانش بر گنبد مینا نقش بسته است، آن قدر کمالاتش را وصف کرده است که از بام گنبد گردون صدای آفرین او برخاسته است؛

بلند صیت تو ز اشعار پهلوی بادا  
که پیدا می‌کند چندین خیالات موجه را؟  
خط دیوان تو نقش گنبد مینا بس است  
ز بام گنبد گردون صد آفرین برخاست  
چه تیت دارد آن کو فال از این دفتر نمی‌گیرد  
(همان: ۳۱، ۳۲، ۶۳، ۷۰ و ۹۶)

سوار نظم، تویی کاتبی در این عرصه  
به غیر از کاتبی در دور خط روی مه‌رویان  
کاتبی گر طی شود اوراق مهر و مه چه باک  
ز بس که وصف کمالات کاتبی کردند  
شد اطباق فلک اوراق شعر کاتبی ای مه

۳ - ۷. شکایت از روزگار

از مفاهیم آشنای دیگر در غزل‌های کاتبی گله از ریاکاری مردم روزگار، بی‌مهری فلک و جفاکاری روزگار و مردم آن است:

ندیدم همچو خار گل در این بازار، یکرنگی  
چه عرض می‌دهی ای لاله داغ خود که مرا  
هرگز ز جهان آرزویی دست ندادت  
گویند کزین پیش جهان رسم وفا داشت  
که او را نیز رخ چون من به خون خویش گلگون شد  
هزار تحفه از این هست یادگار جهان  
که آخر سر انگشت به دندان نگزیدی  
باور مکن از خلق جهان هر چه ندیدی  
(همان: ۱۲۰، ۱۹۷ و ۲۱۸)

## نتیجه‌گیری

با بررسی غزل‌های کاتبی از سه منظر زبانی، ادبی و فکری، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- از نظر زبانی غزل‌های کاتبی در مواردی تحت تأثیر ویژگی‌های سبک خراسانی و عراقی قرار گرفته است. خلق ترکیبات نو و ایجاد تنوع در تکرار و تکرار قافیه که در عصر کاتبی و دوره‌های پیش از او چندان سابقه نداشت، نشان از خلاقیت و نوآوری او در این زمینه‌ها دارد.

- در سطح ادبی استعاره‌ها و تشبیه‌های او تازگی چندانی ندارد. بیشتر کنایات و مجازهایش نیز تکراری است. تناسب و مراعات نظیر، ایهام و ایهام تناسب در غزل‌های وی تنوع و تازگی زیادی دارد. میزان کاربرد اسلوب معادله در شعر او و توجه کاتبی به نکته‌یابی و مضمون‌آفرینی، فراوانی حسن تعلیل و پارادوکس در غزل‌هایش، او را به عنوان یکی از زمینه‌سازان سبک هندی معرفی می‌کند.

- در سطح فکری غزل‌های کاتبی عاشقانه و برخوردار از چاشنی عرفانی است. او در عرفان تحت تأثیر شاعران عارف پیش از خود قرار گرفته، بنابراین بسیاری از مضامین عرفانی او تقلیدی است. معشوق در غزل‌های کاتبی جایگاه برتری دارد و عاشق خوار و ذلیل و گرفتار و تسلیم اوست. وجود اصطلاحاتی چون «خاک حسین»، «کربلا» و «بوتراب» در غزل‌های کاتبی، او را شاعری شیعی مذهب یا متمایل به تشیع نشان می‌دهد.

سبک غزل‌های کاتبی را به طور کلی می‌توان حدّ واسط سبک عراقی و هندی دانست که به سبب قدم نهادن او در این راه تازه و ناشناخته، ناهمواری‌هایی هر چند ناچیز در بعضی ابیات او مشاهده می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- اهلی شیرازی، محمد، (۱۳۶۹)، *دیوان اشعار اهلی شیرازی*، تصحیح حامد ربّانی، تهران: کتابخانه سنایی، چاپ دوم.
- ۲- جامی، نورالدین عبدالرحمن، (۱۳۷۹)، *بهارستان و رسایل جامی*، تصحیح اعلاخان افصح زاد و دیگران، تهران: میراث مکتوب، چاپ اول.
- ۳- سمرقندی، امیر دولتشاه بن علاءالدوله، (۱۳۱۸)، *تذکره الشعراء*، به تصحیح ادوارد براون، لندن، نشر بریل.
- ۴- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸)، *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس، چاپ یازدهم.
- ۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، *کلیات سبک شناسی*، تهران: فردوس، چاپ ششم.
- ۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، *سبک شناسی شعر*، تهران: فردوس، چاپ نهم.
- ۷- کاتبی ترشیزی، محمد بن عبدالله، (بی تا)، *دیوان کاتبی*، نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره دستیابی ۱۱۴۱۵، کاتب نامعلوم، تهران.
- ۸- \_\_\_\_\_، (بی تا)، *دیوان کاتبی*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره دستیابی ۸۶۸۸، کاتب نامعلوم، تهران.
- ۹- \_\_\_\_\_، (تاریخ کتابت ۸۸۰)، *دیوان کاتبی*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی تبریز، شماره دستیابی ۱۵۰۲، کاتب محمد بن محمود، تبریز.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، (تاریخ کتابت ۸۸۴)، *کلیات کاتبی*، نسخه خطی موجود در کاخ گلستان، شماره دستیابی ۸۸۱، کاتب سلطانعلی شیرازی، تهران.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، (تاریخ کتابت ۸۸۸)، *کلیات کاتبی*، نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره دستیابی ۱۶۹۲۸، کاتب حسن بن محمد شیخ سخت کمان، تهران.
- ۱۲- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، *دیوان کاتبی نیشابوری*، تصحیح تقی وحیدیان کامیار و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.

- 
- ۱۳- مدرس خیابانی تبریزی، محمدعلی، (۱۳۶۹)، *ریحانه‌ الادب*، تهران: خیام.
- ۱۴- صفاء ذبیح الله، (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- نفیسی، سعید، (۱۳۶۳)، *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*، جلد اول، تهران: فروغی، چاپ دوم.
- ۱۶- نوایی، امیرعلی شیر، (۱۳۲۳)، *مجالس النفايس*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- ۱۷- هدایت، رضاقلی، (۱۳۱۶)، *ریاض العارفین*، تهران: کتابخانه مهدیه.
- ۱۸- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۸۳)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: مؤسسه نشر هما، چاپ بیست و دوم.
- ۱۹- یارشاطر، احسان، (۱۳۸۳)، *شعر فارسی در عهد شاه‌رخ*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.